

تأثیر ظهور داعش بر روابط ایران و عراق
دکتر رحمت حاجی مینه^۱ - مهشاد نورائیان اصفهانی^۲
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۱۷

چکیده :

ظهور و قدرت گرفتن داعش در عراق و سیطره آن بر بخش‌های گسترده‌ای از این کشور، نه تنها عراق را با بحران امنیتی و تهدید سرزمینی جدی رو به رو ساخت، بلکه تهدیدات و مخاطرات مهمی را برای امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد کرده است. شکل‌گیری ساخت قدرت و سیاست در عراق در دوره پسا صدام نقطه عطفی در روابط میان ایران و عراق می‌باشد ولی با حضور داعش این روابط وارد فاز جدیدی شده است خصوصاً اینکه داعش درصدد ایجاد یک واحد سرزمینی جدید در کشورهای عراق و سوریه بوده است. نوشتار حاضر به تأثیر ظهور داعش بر روابط ایران و عراق اشاره دارد که حضور این گروه تروریستی در عراق چه تأثیری بر روند روابط ایران و عراق خصوصاً در حوزه امنیتی - سیاسی دارد. فرضیه این پژوهش بدین شرح می‌باشد که ظهور داعش در عراق باعث تقویت روابط دو جانبه ایران و عراق در راستای مبارزه با تهدید مشترک و حفظ تمامیت ارضی عراق شده است. لذا این مقاله با استفاده از چارچوب نظری واقع گرایی (اتحاد و ائتلاف) و با به کارگیری از روش تحلیلی - توصیفی به دنبال تحلیل تأثیر ظهور داعش بر روابط ایران و عراق می‌باشد.

واژگان کلیدی: داعش، امنیت ملی، اتحاد و ائتلاف، حکومت اقلیم کردستان

^۱ - استادیار و عضو هیئت علمی، گروه روابط بین الملل، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
hajrahmat@gmail.com

^۲ - دانش آموخته کارشناسی ارشد، علوم سیاسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
m.noraei927@gmail.com

مقدمه:

تحولات در عراق و شکل‌گیری ساخت جدیدی از قدرت و سیاست در این کشور نقطه عطفی در روابط دو کشور ایران و عراق به حساب می‌آید، در شرایط لازم هر چند تهدیدهای سنتی نظامی از سوی عراق رفع شده اما ماهیت پیچیده سیاسی و فرهنگی این کشور و بی‌ثباتی و ناامنی سال‌های اخیر از یک سو و حضور بیگانگان در این کشور از سوی دیگر، تهدیدهای جدیدی را وارد حوزه سیاست خارجی ایران کرده است. تحولات سیاسی در عراق در عین آنکه برخی تهدیدهایی را برای منطقه به وجود آورده است، فرصتهایی را نیز برای سیاست خارجی ایران از جمله برقراری روابط مبتنی بر همکاری متقابل در روابط دو جانبه و همچنین در روابط با کشورهای منطقه بخصوص جهان عرب فراهم آورده است بی‌تردید وجود داعش در عراق، تأثیرات بسیاری از لحاظ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بر دولت‌های منطقه و فرامنه منطقه به ویژه ایران خواهد گذاشت، شکل‌گیری داعش در عراق به عنوان یک گروه تروریستی - تکفیری که ادعای احیای خلافت را در سرزمین‌های عراق و شامات دارد علاوه بر تأثیرات و پیامدها بر ساختارهای داخلی و امنیت کشور عراق بر روابط آن با کشورهای منطقه نیز تأثیرگذار خواهد بود. در این میان با توجه به نزدیکی ایران و عراق به دنبال سرنگونی رژیم صدام حسین و به قدرت رسیدن شیعیان در بغداد، روابط ایران و عراق از اهمیت قابل توجه‌ای برخوردار است که از پیامدهای ظهور داعش در منطقه فارغ نیست. خصوصاً اینکه جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر تلاش کرده است به عنوان یکی از نیروهای ضد تروریسم داعشی در منطقه فعالیت داشته باشد. داعش علاوه بر تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی، به طور خاص تهدیدی جدی برای اهداف سیاست جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. البته گروه تروریستی داعش با عملکرد و حضور خود در منطقه، فرصتهایی را نیز برای جمهوری اسلامی ایران فراهم نموده است. لذا در این مقاله سعی می‌شود تأثیر ظهور داعش بر روابط دو جانبه ایران و عراق بررسی شود. مسأله‌ای که می‌تواند خود نیز پیامدهایی دیالکتیکی بر سیاست‌های داخلی و منطقه‌ای دو بازیگر داشته باشد.

مبانی نظری پژوهش

برای بررسی سیاست ایران در عراق برای مقابله با داعش از رویکرد نظری واقع‌گرایی و بحث اتحاد و ائتلاف استفاده شده است، زیرا نظریه واقع‌گرایی به قدرت کشورها و تهدیدات خارجی تمرکز دارد. نظریه اتحاد از جمله نظریه‌های روابط بین‌الملل است که به تشریح روابط میان دولتها می‌پردازد. این نظریه در تحلیل مسائل مربوط به دوران جنگ جهانی اول و دوم و جنگ سرد نسبت به بیشتر نظریات بین‌الملل موفق‌تر بوده است. این نظریه امروزه فعالیت خود را حفظ کرده و در عصر جهانی شدن و ارتباطات که دولتها ملزم به ایجاد ارتباط با دیگر دولتها به خصوص همسایگان خود هستند بسیار راه‌گشا می‌باشد. نظریه‌های اتحادها به این مسئله می‌پردازند که دولتها برای دستیابی بهتر به اهداف خود در عصر کنونی ناگزیر از ایجاد اتحاد و ائتلاف با دیگران هستند به ویژه به دولتهایی که دغدغه امنیتی، سیاسی و اقتصادی مشترکی داشته باشند. در شکل‌گیری اتحادها باید به مسئله منافع ملی طرفین توجه کرد نه صرفاً ایدئولوژی مشترکی که ممکن است بین طرفین باشد به این معنا که منطق هزینه و فایده در شکل‌گیری اتحادها تأثیرگذار است و کشورها در تشکیل اتحادها صرفاً منافع ملی و امنیت ملی خود را در نظر می‌گیرند. شکل‌گیری اتحادها را می‌توان به دو دلیل ذکر کرد؛ علل خارجی و علل داخلی. در خصوص علل خارجی دو مؤلفه مورد نظر قرار می‌گیرد، ۱- موازنه قدرت، که توازن قدرت زمانی اتفاق می‌افتد که دولتهای تجدید نظر طلب، امنیت قدرت‌های طرفدار وضع موجود را تهدید کنند در این صورت دولتهای طرفدار وضع موجود در برابر دولتهای تجدید نظر طلب صف‌آرایی می‌کنند و با تشکیل اتحاد به دفاع از امنیت ملی و حفظ منافع ملی خواهند پرداخت. (Jervis, 1986: 60) ۲- موازنه تهدید، که این نظریه علل تشکیل اتحادها را پاسخی بر تهدیدات خارجی می‌داند و نه صرفاً افزایش قدرت یک کشور دیگر. (Walt, 1985: 9) دلیل دوم علل داخلی می‌باشد که در شکل‌گیری اتحادها علاوه بر علل خارجی، متغیرهای داخلی هم نقش اساسی دارند. بسیاری از اتحادها در جهان سوم به خاطر حفظ رژیم حاکم در مقابل مخالفان داخلی آنها می‌باشد. استفان والت منشاء اتحادها را در خاورمیانه به چهار دلیل می‌داند.

دولت‌ها در خاورمیانه اکثر اتحادها را در واکنش به یک تهدید از سوی دیگر بازیگران منطقه‌ای تشکیل می‌دهند. دولت‌های منطقه‌ای بیشتر به دنبال کمک‌های خارجی هستند که اغلب هم از یکی از ابرقدرت‌ها است، ولی بسیار کم و در واقع بر حسب تصادف ممکن است قدرت‌های منطقه‌ای از دیگر بازیگران منطقه‌ای طلب کمک کنند. بهره‌گیری از سیاست اتحاد و ائتلاف از طرف ایران واکنشی برای رفع تهدیدهای امنیتی است نه فقط برای افزایش قدرت در سطح منطقه. سیاست اتحاد و ائتلاف برای ایران دو جنبه دارد: نخست، ایجاد اتحاد و ائتلاف با دولت‌های منطقه یا گروه‌های سیاسی دوست در سطح منطقه برای تضعیف منابع مشترک تهدیدهای امنیتی؛ دوم، رفع این تهدیدها از راه حضور موثر و فعال در مسائل سیاسی - امنیتی منطقه. ایجاد اتحاد و ائتلاف با عراق و با سوریه و لبنان به افزایش چانه زنی ایران در سطح منطقه برای تامین منابع راهبردی‌اش منجر می‌شود. (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲۲-۱۴۴) هدف ایران از ایجاد اتحاد و ائتلاف با کشورهای منطقه خصوصا کشور عراق پیوند زدن امنیت خود با امنیت منطقه، افزایش قدرت چانه زنی و رفع تهدیدهای امنیتی در محیط امنیتی کشور است. بر اساس نظر هالستی دولت‌ها مانند افراد همواره مقاصد و نیازهایی دارند که همیشه با مقاصد و نیازهای دولت‌های دیگر سازگار نیستند، (هالستی، ۱۳۷۳: ۷۵۶) همکاری را می‌توان به مثابه هماهنگی منابع، برنامه‌ها و ایده‌ها در جهت مقصودی مشترک، طبق قواعد توافق شده و فرمول‌های مربوط به هزینه تعریف کرد. (همان: ۷۵۷) نیاز متقابل کشورها به یکدیگر در زمره مؤلفه‌های تأثیرگذار بر روند سیاست خارجی آنان است، به طور کلی: استراتژی‌های ائتلاف با نیازهای داخلی کشورها پیوند نزدیکی دارند. دولت‌هایی که با مشکلات اقتصادی رو به رو هستند، احتمالا برای بر طرف سازی مشکلات خود، گروه‌های تجاری و ائتلاف‌های دیپلماتیک به وجود می‌آورند در حالی که بیشتر کشورهای در حال توسعه، بلوکی را به مفهوم نظامی - دیپلماتیک تشکیل نمی‌دهند اما برای دستیابی به رابطه مبادله مطلوب تر با کشورهای صنعتی به یکدیگر می‌پیوندند. دولت‌هایی که بنا به دلایل داخلی یا ایدئولوژیک تصمیم می‌گیرند تا برنامه‌های گسترش انقلابی خود را تدارک ببینند، ممکن است به هم پیوسته و اتحادهای نظامی را نیز گسترش دهند. اتحادها در درجه نخست برای دفاع در برابر یک دشمن خارجی تشکیل شده اند، اما اثر آنها می‌تواند به صورت حمایت از رژیم‌های ضعیف در برابر

مخالفت‌های داخلی یا بین‌المللی باشد. تصورات مشترک از خطر و ایستارهای رایج درباره نا امنی، متداول ترین منشاء تشکیل ائتلاف محسوب می‌شود. ترس متقابل و منافع مشترک، مهمترین عامل تشکیل یک ائتلاف محسوب می‌شود. (هالستی، ۱۳۷۳: ۱۸۰) با توجه به توضیحاتی که هالستی بیان داشته است، در مورد دو کشور ایران و عراق یک تهدید مشترک یعنی داعش وجود دارد که هم کشور عراق و هم کشور ایران برای نابود ساختن آن و ایجاد ثبات و امنیت در منطقه و در داخل مرزهای کشورشان دست به اقدامات مشترک علیه داعش زده‌اند که در این مقاله به دلایل و رویه‌های آن پرداخته خواهد شد.

روش تحقیق حاضر بر حسب هدف از نوع بنیادی نظری و از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها توصیفی- تحلیلی و به صورت جمع آوری داده‌ها از طریق استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و فیش برداری می‌باشد. روش و ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش از طریق چارچوب نظری واقع‌گرایی مبحث اتحاد و ائتلاف می‌باشد.

ظهور داعش؛ دلایل ها و پیامدها:

دولت اسلامی (به عربی: الدولة الاسلامیه) که پیش تر خود را دولت اسلامی عراق و شام (به عربی: الدولة الاسلامیه فی العراق و الشام) نامیده بود، بیشتر با نام اختصاری داعش شناخته می‌شود. گروهی بنیادگرا و افراطی می‌باشد که در عراق و سوریه حضور فعال دارد و خود را کشوری مستقل دانسته و بخش هایی از شمال سوریه و عراق را در تصرف خود دارد. این گروه به رهبری ابوبکر البغدادی از جنگجویان سلفی جدا شده از شبکه القاعده تاسیس شده و با دولت‌های عراق و سوریه و گروه‌های مخالف دولت سوریه وارد جنگ شده است. داعش یک از رادیکال‌ترین گروه‌های اسلام‌گرا در خاورمیانه است. آنها علاوه بر عراق و سوریه بخش‌هایی از لیبی و نیجریه را نیز در کنترل خود دارند گره‌های هم پیمان آن در نقاط دیگر دنیا مثل افغانستان و آسیای جنوب شرقی نیز فعال هستند. ریشه داعش به جماعت توحید و جهاد می‌رسد که در سال ۱۹۹۹ به رهبری ابومصعب الرزقاوی تأسیس شد و در سال ۲۰۰۴ به شبکه القاعده پیوست و پس از به القاعده عراق معروف شد. این گروه که وارد جنگ با دولت عراق و نیروهای آمریکایی مستقر در عراق شده بود در سال ۲۰۰۶ با چندین گروه اسلام‌گرای

دیگر ائتلاف کرده و مجلس شورای مجاهدین را تشکیل داد که نفوذ زیادی در استان انبار، بزرگترین استان عراق پیدا کرده بود. (ریچاردسون، ۱۳۹۵: ۲۷۹-۲۷۸) اسپوزیتو مهمترین عوامل رشد گروه‌های افراطی در سوریه و عراق را اینگونه عنوان می‌کند: اعمال خشونت توسط رژیم اسد علیه مردم و گروه‌های اپوزیسیون؛ ناکامی جامعه بین‌المللی در اقدام سریع و همکاری با بازیگران منطقه‌ای جهت اعمال یک راه حل سیاسی؛ حمایت کشورهای منطقه خلیج فارس و سایر مناطق جهان از گروه‌های سلفی جهادی و به حاشیه راندن مسلمانان سنی در عراق توسط دولت مالکی. (Esposito, 2014: 4)

ظهور و رشد داعش در عراق و سوریه باعث شگفت‌انگیزی بسیاری از کشورها شده است. در خصوص شکل‌گیری و گسترش داعش چهار دسته از عوامل را در سال‌های اخیر نام برده‌اند: ۱- عوامل داخلی ظهور و قدرت‌یابی داعش در عراق، از جمله عدم شکل‌گیری دولت قوی، چالش‌ها و اختلافات سیاسی و قومی- مذهبی بین گروه‌های سیاسی در عراق، فساد حکومتی و ضعف نیروهای نظامی و امنیتی عراق ۲- تأثیر و نقش بحران سوریه ۳- تأثیر بازیگران منطقه‌ای بر قدرت‌یابی داعش ۴- تأثیر بین‌المللی بر قدرت‌یابی داعش. (نجات، ۱۳۹۴: ۵۵) و همین‌طور ظهور این گروه تروریستی پیامدهایی را برای عراق و ایران به دنبال داشته است که به آنها اشاره می‌شود.

۱- عوامل داخلی ظهور و قدرت‌یابی داعش در عراق:

الف) اختلافات سیاسی و قومی - مذهبی در عراق

کشور عراق از لحاظ ژئوپولیتیک به دلیل قرار گرفتن در تقاطع سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا و مسیر شرق به غرب از موقعیت استراتژیکی خاصی برخوردار است. کشور عراق از جنوب با عربستان سعودی و کویت، از غرب با اردن و سوریه، از شرق با ایران و از شمال با ترکیه همسایه است. عراق یکی از بزرگترین کشورهای دارای منابع نفت می‌باشد. (لو استرنج، بی تا: ۲) جمعیت عراق با چند شکاف اصلی روبه‌رو می‌باشد: ۱. شکاف مذهبی بین اکثریت شیعه و اقلیت سنی ۲. شکاف قومی - زبانی بین اکثریت عرب و اقلیت غیر عرب، کرد، ترکمن و ارمنی ۳. شکاف بین اکثریت مسلمان و اقلیت غیر مسلمان ارمنی و آشوری. در واقع عراق کشوری است که دارای اقوام، ادیان و مذاهب مختلف است که این موضوع همواره منجر به

تنش‌های فرهنگی، اجتماعی، قومی و مذهبی در این کشور شده است. (نجات، ۱۳۹۴: ۵۵) از نظر ساختار اجتماعی فرهنگی عراق به سه حوزه قابل تقسیم می‌باشد. در حوزه مرکزی عراق اعراب سنی، در شمال کردها و در جنوب شیعیان سکونت دارند و هر کدام از این گروه‌ها دارای شاخصه‌های فرهنگی و اجتماعی خاص خود هستند. شیعیان بیشتر در مناطق جنوبی و مرکزی عراق سکونت دارند. وجود مقبره امامان شیعی در شهرهای کربلا و نجف و همچنین وجود حوزه علمیه نجف و در نتیجه حضور دائمی علمای شیعی در این شهرها باعث تقویت فرهنگ شیعی شده است و این امر شیعیان عراق را از نظر فرهنگی با ایرانیان شیعی مذهب نزدیک ساخته است. بخش دیگری از ساختار فرهنگی عراق بر اساس قومیت عربی و مذهب سنی ایجاد شده و به دلیل حاکمیت اقلیت اعراب سنی در طول دهه‌های گذشته در عراق تقویت شده است. (روحانی، ۱۳۸۸: ۹۶) عرب‌های سنی از گذشته دور، به سبب حمایت امپراتوری عثمانی، بر ساختار سیاسی عراق مسلط بوده‌اند و این امر ادامه یافت تا اینکه تفوق سنی‌ها بر نظام سیاسی تا تشکیل شورای انتقالی حکومت عراق (مجلس الحکم) ادامه یافت. پان عربیسم و گسترش آن پس از فروپاشی عثمانی از علل اصلی تداوم حاکمیت گروه عرب سنی با قریب ۳۵ درصد جمعیت در عراق بوده است. (آجیلی، مبینی کشته، ۱۳۹۳) عراق به دلیل تنوع قومی - فرقه‌ای، سیاسی - اجتماعی و مذهبی - ایدئولوژیکی همواره از آسیب‌پذیری و شکنندگی بالایی برخوردار بوده است. (سمیعی اصفهانی، شریف یلمه، ۱۳۹۵: ۱۷۲) پس از فروپاشی رژیم بعثی صدام و روی کار آمدن دولت شیعی در عراق، برخی کشورها و گروه‌های سنی و بعثی برای بازیابی بخشی از قدرت پیشین خود و ممانعت از تحکیم پایه‌های حکومت منتخب ملت عراق، در این کشور شروع به کارشکنی و اقدامات تروریستی و تخریبی کردند و بستر اصلی خیزش تروریسم را فراهم نمودند. این جریان‌ها از اختلافات، درگیری‌ها و شکاف‌های قومی و مذهبی موجود در عراق بهره‌برداری کرده و وجود خود را به بخش‌هایی از مردم این کشور تحمیل کرده‌اند. چالش‌ها و اختلافات سیاسی و قومی - مذهبی بین گروه‌های سیاسی عراق و نبود انسجام و وفاق سیاسی در این کشور، از مهمترین عواملی است که موجب گسترش تنش‌های درونی و منازعات قومی - فرقه‌ای شده است. اعتراضات بخشی از مردم سنی نشین عراق در مقابل دولت و طرح مطالبات و تنش‌های ناشی از آنکه تا

اواخر سال ۲۰۱۳ تداوم داشت، بسترهایی را برای حضور داعش در این مناطق ایجاد کرد. اعتراضات و انتقادات سنی‌ها در حالی بود که بین گروه‌های سنی عراق و دولت اختلافات و تنش‌های مختلفی در جریان بود و عدم تفاهم برای دستیابی به راه‌حلی جامع برای رفع اختلافات و نیز پایان دادن به اعتراضات و انتقادات سنی‌ها موجب افزایش سوء استفاده داعش و نفوذ بیشتر آن در مناطق سنی عراق شد. در مورد جامعه سنی عراق و رویکرد آن به داعش و تحولات امنیتی اخیر می‌توان مواردی را ذکر کرد، رهبران سیاسی، عشایری و مذهبی عراق به دو دسته تقسیم شده‌اند: بخشی از این رهبران با دولت پیوند و همکاری داشته و از آن در مقابل داعش و گروه‌های معارض حمایت کرده‌اند که بخشی از رهبران عشایر سنی و همچنین رهبران الصحوه و یا شورای نجات الانبار در این راستا قرار می‌گیرند، اما بخش دیگری از این رهبران، یا از رویکرد دولت ناراضی‌اند یا موضع بی طرفانه‌ای را در قبال داعش اتخاذ کرده‌اند و یا همانند شورای انقلابیون عشایر به رهبری حاتم سلیمان یا حارث الضاری و شیخ ملک السعدی به حمایت آشکار یا غیر مسقیم از داعش پرداخته‌اند. (اسدی، ۱۳۹۳: ۱۴-۱۳) البته رویکرد خشونت آمیز داعش و نا امنی‌های ناشی از فعالیت آن، جذابیت و مشروعیتی برای سنی‌های عراق ایجاد نمی‌کند و سنی‌ها در بلند مدت رغبتی برای همکاری با داعش ندارند. (اسدی، ۱۳۹۳: ۱۶) بدین ترتیب شکل بندی قومیت‌ها و طوایف از گذشته تا حال سبب شده است که عراق بعد از حکومت صدام حسین نتواند در قوام دولتی پایدار و با ثبات و به تبع آن، در استقرار نهادهای مردم سالار موفق شود و بدین سان زمینه ظهور داعش در عراق فراهم گردید. (نجات، ۱۳۹۴: ۵۷)

ب) عدم شکل‌گیری دولت قوی در عراق:

حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و سقوط سریع صدام حسین که با تلفات محدودی صورت پذیرفت، سیستم سیاسی عراق، نتیجه یک فرایند انتخابات تحت حمایت ایالات متحده، به واسطه رقابت صلح آمیز به جای خشونت، و نیز اتحادهای فرقه‌ای، به طور فزاینده‌ای مشخص می‌شود. (Kenneth.2010) در ابتدا شکل‌گیری نظام سیاسی باثبات و دموکراتیکی را در عراق نوید می‌داد، اما چندان به طول نینجامید که اوضاع بسیار پیچیده‌ای عراق را فرا گرفت و این کشور در فضای پیچیده‌ای از منازعات خشونت آمیز قومی- مذهبی و

دخالت بازیگران منطقه‌ای فرورفت. در سطح داخلی، نزاع شدید میان سنی‌ها و شیعیان، خشونت علیه مسیحیان و تنش بین اکراد و اعراب، اوضاع داخلی عراق را بسی پیچیده کرد. با نگاهی به تحولات پس از فروپاشی صدام در می‌یابیم که با فروپاشی ساختار قدرت مبتنی بر انحصار قدرت در دست سنی‌های عرب زبان، قدرت جریان‌های شیعی و اکراد به مرور گسترش می‌یابد طوری که رئیس جمهور و نخست وزیر کنونی عراق به ترتیب از اکراد و شیعیان هستند. با این حال چنین تحولاتی برای بخش عظیمی از اعراب سنی مذهب که عمدتاً در نواحی مرکزی عراق سکنا گزیده‌اند و همچنین دولت‌هایی چون عربستان که ایران را رقیب خود دانسته و قدرت‌یابی شیعیان نزدیک به ایران را گسترش نفوذ ژئوپلیتیکی ایران تلقی می‌کردند، چندان قابل پذیرش نبود. بررسی روند خشونت و ناامنی پس از سقوط صدام حاکی از آن است که بیشتر ناآرامی‌ها و شورش‌ها در مثلث سنی نشین عراق که شامل مناطقی چون فلوجه، تکریت و الرمادی است، به وقوع پیوسته است. در نگاهی جامع می‌توان قدرت یابی داعش را در سطح داخلی محصول ضعف دولت - ملت سازی در عراق و عدم اجماع نخبگان و نارضایتی بسیاری از جریان‌ات و قبایل سنی و همچنین بعثی‌ها از روند سیاسی کشور ارزیابی کرد. البته باید توجه داشت که با توجه به بافت جمعیتی شیعیان در عراق و نقش آفرینی مرجعیت و همچنین نفوذ و کنشگری فعال ایران در عراق و همچنین اقدامات افراطی و خشونت آمیز داعش، چشم انداز موفقیت این گروه در ایجاد دولت و گسترش نفوذ چندان قابل توجه نیست و با گذر زمان این گروه مجبور به عقب نشینی می‌شود. با این حال خلاء امنیتی عمیق در عراق و سوریه و ضعف دولت - ملت سازی در این دو کشور در کنار مداخلات قدرت‌های منطقه‌ای زمینه تعارضات عمیقی را فراهم آورده به طوری که ثبات و دموکراسی در این کشورها همچنان آرزویی دور از دسترس باقی خواهد ماند.

پ) حکمرانی ضعیف و وجود خشونت و فساد:

در کشور عراق حکمرانی خوب به دلایل متعددی شکل نگرفته است. جامعه عراق پس از سقوط صدام، حکومت مرکزی قوی نداشت و تا سال ۲۰۰۴ اعمال مستقیم حکمرانی در اختیار نیروهای ائتلاف بود. پس از ۲۰۰۴ و با وجود انتقال قدرت به عراقی‌ها، حکومت شکننده‌ای ایجاد شد که فاقد حمایت عمومی و ناتوان از انجام کار ویژه‌های عمومی در جامعه

چند پاره قومی - زبانی و مذهبی سرشار از تعارض‌های ریشه دار عراق بود که نمی‌توانست حکمرانی خوب و کارآمد را در کشور عراق محقق سازد. در واقع حکمرانی خوب در سطوح سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی دولت ملی فراگیر را می‌طلبد. این دولت قادر به تامین امنیت و ارائه خدمات به شهروندان در زمینه‌های مختلف خواهد بود و می‌تواند توافق و اعتماد متقابل میان شهروندان و حکومت را ایجاد نماید؛ تمام این موارد پیش شرط‌هایی بوده است که در عراق نبوده است. (نجات، ۱۳۹۴: ۶۰) در خصوص رشد سریع نفوذ داعش و عقب نشینی نیروهای دولتی، یکی از ژنرال‌های بازنشسته عراقی گفته است «فساد، فساد، فساد! در حقیقت عراق فاقد ارتش ملی است و همانا فساد تمام سطح ارتش را پوشانده است، چنان که یک ژنرال می‌توانست با هزینه دو میلیون دلار، فرمانده یک گروه شود و بعد از آن به وسیله رشوه و تهدیدات و تحمیل مالیات اجباری به هر خودرویی که از محل بازرسی می‌گذرد، سرمایه خویش را باز پس گیرد.» و آغاز آن سال ۲۰۰۵ بوده است. زمانی که آمریکایی‌ها فساد را در ارتش عراق پایه گذاری کردند، این امر با تقاضای کمک از منابع خارجی جهت تامین تغذیه و تدارکات لجستیکی واحدهای آن صورت گرفت. همین‌طور به هر فرمانده گردان مبلغی اعطا می‌شد که واحد تشکیل شده از ششصد سرباز را تامین می‌کرد در حالی که آن واحد از دویست سرباز تشکیل می‌شد تا مابقی مبالغ اضافی را تصاحب کند. به گفته حیدر العبادی، وجود پنجاه هزار اسم خیالی و فرضی در نیروهای مسلح کشور، یکی از دلایل و شواهد روشن کننده حجم شایع فساد در این کشور است. (نجات، ۱۳۹۴: ۶۱)

ت) ضعف نیروهای نظامی و امنیتی در عراق:

ضعف‌ها و چالش‌های نیروهای نظامی و امنیتی عراق یکی دیگر از عوامل سبب داعش بر مناطق مختلف عراق و پیشروی‌های اخیر این گروه محسوب می‌شود. مقامات آمریکا پس از حمله به عراق به انحلال تمامی نهادهای نظامی و امنیتی رژیم بعث مبادرت کردند و به تدریج روند جدیدی برای تأسیس و توسعه نیروهای نظامی و امنیتی جدید در عراق تحت مدیریت آمریکا آغاز شد. هر چند سهم اصلی مقابله با گروه‌های تروریستی و مخالف در ابتدا بر عهده نیروهای آمریکایی بود، اما بعد از سال ۲۰۰۹ به تدریج نقش نیروهای عراق در امنیت سازی افزایش یافت و به خصوص بعد از خروج نیروهای آمریکایی از این کشور در سال ۲۰۱۱

مسئولیت ایجاد امنیت و مقابله با تروریسم به صورت کامل بر عهده نیروی نظامی و امنیتی عراق قرار گرفت. در یک سال نخست پس از خروج نیروهای آمریکایی از عراق وضعیت امنیتی به نسبت مناسبی در این کشور برقرار بود، اما در سال ۲۰۱۳ بار دیگر ناامنی در عراق افزایش یافت. (نجات، ۱۳۹۴: ۶۲) علی رغم اینکه عراق بیش از یک میلیون نفر نیروی نظامی و امنیتی را مورد آموزش قرار داده و به کار گرفته است، ناامنی فزاینده و به خصوص پیشروی‌ها و تصرف شهرهای مختلف از سوی داعش ناکارآمدی نسبی و نقص‌های این نیروها را نشان داده است. به عنوان مثال در حالی که تعداد نیروهای داعش در حمله به موصل تنها چند هزار نفر و به اعتقاد برخی تنها ۱۵۰۰ نفر بوده است، حضور بیش از ۵۰ هزار نیروی نظامی و امنیتی عراقی در موصل مانع چندان در برابر عناصر داعش ایجاد نکرد. (اسدی، ۱۳۹۳: ۱۷) با توجه به این ناکارآمدی به چندین مشکل و چالش در نیروهای نظامی و امنیتی عراق می‌توان اشاره کرد. پایین بودن روحیه رزمی و جنگی در میان نیروهای عراقی که بخشی از آنها به خاطر منافع مالی و اقتصادی جذب نیروهای مسلح شده‌اند مشکل مهمی است که باعث فرار بسیاری از آنها از صحنه جنگ و عدم مقاومت در برابر داعش می‌شود. ضعف‌های سیستم اطلاعاتی نیروهای نظامی و امنیتی یکی دیگر از مشکلاتی است که کارآمدی این نیروها در عرصه نبرد را کاهش می‌دهد. حضور عناصر ناراضی و مخالف حکومت در نیروهای نظامی و امنیتی حتی در مراتب بالا و فرماندهی که حتی باعث همکاری با معارضین دولت و حتی داعش می‌شود و عمدتاً از بعضی‌های سابق هستند از چالش‌های مهم دیگر است. معضل دیگر فقدان تسلیحات لازم است که از جمله ناشی از عدم تحویل به موقع تسلیحات از سوی آمریکا به خصوص در مورد هواپیماهای جنگنده محسوب می‌شود. (اسدی، ۱۳۹۳: ۱۷)

۲- بحران سوریه و احیای توان داعش:

از عوامل مهمی که باعث سیطره داعش بر مناطق مختلف عراقی شده می‌توان به افزایش توان و قدرت این گروه اشاره کرد که به خصوص در پرتو بحران سوریه رخ داده است. بحران سوریه از چند منظر باعث افزایش توان داعش شد که مهمترین ابعاد آن عبارتند از: بهره‌گیری داعش از جنگ سوریه برای تصرف بخشی از این کشور و تبدیل کردن شرق سوریه به

پایگاهی برای توسعه توانمندی‌های خود؛ آموزش و سازماندهی نیروها در سوریه بدون دغدغه جدی؛ جذب نیروی انسانی گسترده از کشورهای مختلف در پرتو بحران سوریه؛ تشدید تنش‌های مذهبی در منطقه و ایجاد بستر برای گروه‌ها و رفتارهای افراط‌گرایانه؛ افزایش رقابت‌ها و اختلافات منطقه‌ای و جذب منابع مالی از برخی بازیگران منطقه‌ای در جهت تصاعد بحران در سوریه و عراق و مجاورت جغرافیایی عراق با سوریه که به انتقال نیروها، تسلیحات و منابع مالی بسیار کمک می‌کند. در مجموع بحران سوریه نقش برجسته‌ای در افزایش قدرت داعش داشته است و در صورت عدم وقوع این بحران بعید بود که داعش می‌توانست بدین شکل به احیا و افزایش قدرت خود برسد. این گروه بر اساس برخی آمارها و پیش‌بینی‌ها حدود ۱۵ هزار نیرو در اختیار که حدود ۶ هزار نفر از این نیروها در عراق مستقر هستند. با این حال انتقال بخش مهمی از نیروهای داعش از سوریه به عراق در جریان تحولات معطوف به تصرف موصل سرعت بیشتری گرفت. همکاری نیروهای تکفیری و بعثی در سال‌های گذشته نیز از جمله در طراحی و اجرای عملیات تروریستی مشهود بود، اما ابوبکر بغدادی توانسته با جذب مستقیم بعثی‌ها در ساختار داعش به قدرت و کارآمدی این گروه بیافزاید. (اسدی، ۱۳۹۳: ۱۹-۱۸)

۳. تاثیر بازیگران منطقه‌ای بر قدرت یابی داعش:

یکی دیگر از مسائل مهمی که در افزایش توان و نقش آفرینی داعش در عراق نقش داشته است، گسترش اختلافات و رقابت‌های بین بازیگران منطقه‌ای در چند سال گذشته و در نتیجه بحران‌های جدید منطقه‌ای از جمله در سوریه، مصر، بحرین و سایر کشورهای عربی محسوب می‌شود. این بحران‌ها باعث افزایش اختلافات و رقابت بین بازیگران منطقه‌ای مانند ایران و عربستان سعودی و قطر شد و تلاش برخی از بازیگران عربی برای بهره‌گیری از گروه‌هایی مانند داعش برای پیشبرد اهداف و سیاست‌های خود در منطقه را در پی داشت. (اسدی، ۱۳۹۳: ۲۰) از این رو کشور عراق از منظر ساختار اجتماعی و به لحاظ تاریخی دارای جامعه‌ای چندپاره و هویت ملی ضعیف است و این امر همواره موجب تاثیرگذاری کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بر امور داخلی این کشور به واسطه ارتباط با گروه‌های داخلی آن شده است. در دوره جدید به دلیل ضعف نسبی دولت مرکزی در عراق و ناتوانی آن در اعمال کامل

حاکمیت و فعال شدن نیروهای گریز از مرکز و گروه‌های مخالف دولت، تأثیرگذاری و نقش بازیگران منطقه‌ای ذی نفع در روندهای سیاسی - امنیتی عراق بسیار افزایش یافته است و این امر به واسطه منافع و اهداف متعارض این بازیگران در عراق، پیشبرد روند سیاسی و مصالحه گروه‌های سیاسی و همچنین امنیت سازی در این کشور را با چالش مواجه ساخته است. (آجیلی، مبینی کشت، ۱۳۹۳: ۱۳۳-۱۳۲) بر اساس گزارش رسمی دولت عراق، عربستان به عنوان بازیگر اخلاط گر در روند سیاسی و امنیتی عراق معرفی شده است. طبق این رویکرد، عربستان بر این باور است که اهل سنت عراق در حاشیه قدرت قرار گرفته‌اند؛ لذا باید به آنها قدرت بخشید تا مجدداً به جایگاه قبلی دست یابند. حمایت مالی، نظامی و رسانه‌های عربی یا غربی از گروه داعش، در همین راستا صورت گرفته است. باید در نظر داشت که ساختار جغرافیایی عراق و مجاورت غرب این کشور، یعنی محل حضور داعش با شرق سوریه و عبور و مرور آسان تروریست‌ها از سوریه به عراق و نیز مجاورت آن با عربستان و اردن، موجب تقویت و تجهیز داعش شده است. (نجات، ۱۳۹۴: ۶۵)

۴. تأثیر بازیگران بین‌المللی بر قدرت یابی داعش:

بیش از یک قرن از شکل‌گیری خاورمیانه با مرزبندی‌های کنونی می‌گذرد؛ اما بحران‌های متعدد همچنان این منطقه را دستخوش بی‌ثباتی می‌سازند. موقعیت استراتژیک و نقش خاورمیانه در بازی قدرت‌های بزرگ، برخورداری از ذخایر عظیم انرژی، همراه با شکلف‌های قومی - مذهبی، این حوزه را به عرصه تعارضات داخلی و نفوذ گسترده خارجی در صد سال اخیر تبدیل کرده است. پس از حادثه ۱۱ سپامبر ۲۰۰۱ و به تبع آن حمله آمریکا به عراق، بحران در خاورمیانه وارد عرصه جدیدی شد. (هوشی سادات، ۱۳۹۳: ۲) در واقع، حمله آمریکا و نیروهای ائتلاف به عراق به عنوان متغیری بین‌المللی موجب تغییر شرایط و ساختار سیاسی عراق شده است. ظهور پدیده «داعش» در محدوده سرزمینی عراق، همواره با مشی تروریستی عریان، زمینه شکل‌گیری ناامنی را در این کشور فراهم آورده است که بر همین مبنی می‌توان به توجیه راهبرد مدیریت بی‌ثباتی توسط ایالات متحده رسید. در این راهبرد، سطح مشخصی از ناامنی کنترل شده ایجاد می‌شود تا به واسطه آن، تحرکات سیاسی هر بازیگر از طریق

ایجاد ناامنی، قابل مدیریت باشد. (آجیلی، مبینه کشته، ۱۳۹۳: ۱۳۴) سیاست‌های خصمانه غلط آمریکا و متحدان عربی - غربی آن در حمایت از تروریست‌ها در سوریه، نهایتاً موجبات رشد و تقویت گروه‌هایی چون داعش را منطقه فراهم آورد. در واقع بحران کنونی عراق به نوعی نتیجه سیاست‌های نادرست خاورمیانه ای آمریکا و به ویژه اقدامات غلط آن در سوریه است. این مسأله تایید می‌کند که ایالات متحده یکی از مقصران اصلی پیدایش بحران اخیر در عراق است. به طور کلی منافع قدرت‌های جهانی اقتضا می‌کند منطقه خلیج فارس از صلح و ثبات و امنیت پایدار برخوردار نباشد که سه دلیل عمده دارد:

خلاً امنیتی که نیاز به حضور قدرت‌های جهانی را در منطقه توجیه می‌کند.
فروش اسلحه یکی از پر سودترین تجارت‌ها با تولید ثروت ماندگار برای قدرت‌های جهانی می‌باشد. (همان: ۱۳۶)

ایجاد امنیت پایدار برای اسرائیل؛ با وجود تأکید چهره‌های شاخص تکفیری بر مبارزه با دشمنان اسلام، در سال‌های گذشته هیچ تهدید جدی از سوی سلفی‌های تکفیری متوجه صهیونیست‌ها نشده است. لذا شاهد یک دوگانگی متضاد در مواضع اعلامی و اعمالی آمریکا در مورد داعش هستیم. گزارش اخیر اسنودن از افشای حمایت آمریکا از داعش نیز دلیلی بر این مدعاست. (آجیلی، مینه کشته، ۱۳۹۳: ۱۳۷-۱۳۶) همچنین، یکی از گزارش‌های اطلاعاتی انگلیس که در نشریه تایمز این کشور به چاپ رسیده نشان می‌دهد، که ابوبکر البغدادی اساساً باز تولید سیاست‌های آمریکا در منطقه، به ویژه در سوریه و مرتبط با سازمان‌های جاسوسی این کشور است. همچنین جمعیت شخصیت‌های اسلامی و مسیحی فلسطین اشغالی نیز در بیانیه خود بر این نکته تأکید کرده است که داعش ساخته و پرداخته آمریکا و با هدف سرگرم نمودن مسلمانان از خطر صهیونیسم و حفظ موجودیت رژیم صهیونیستی است. (هوشی سادات، ۱۳۹۳: ۸) در نتیجه می‌توان مهمترین علل تسریع کننده در ظهور و افزایش توان داعش را در مواردی همچون: مشکلات ناشی از فرآیند ملت - دولت سازی در عراق، کم توجهی دولت مرکزی به مناطق سنی نشین عراق، شکست اهل سنت در انتخابات مجلس عراق، احساس عقب ماندگی اهل سنت در مقایسه با اقلیم کردستان، تغییر شرایط محیطی ناشی از خروج آمریکا از عراق، اقدامات پشت پرده بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای

از جمله: آمریکا، عربستان سعودی، قطر و ترکیه با هدف مقابله با محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران دانست. (نجات، ۱۳۹۴: ۷۰)

چالش‌های امنیتی داعش برای نظام جمهوری اسلامی ایران

گروه تروریستی داعش که برآمده از گفتمان نوسلفیسم است، علاوه بر تهدیدهای منطقه‌ای و بین‌المللی، به طور خاص تهدیدی برای منافع جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. تحولات عراق و سوریه و به خصوص حضور داعش در عراق از دو جهت امنیت ملی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اول، حضور داعش و دوم، حضور مجدد نیروهای غربی در کشور عراق به بهانه مبارزه با گروه تروریستی داعش. مسلماً حضور نظامی گروهی همانند داعش در دو کشور همسایه و متحد ایران و در پی آن بی‌ثباتی شدید این کشور بر امنیت ملی ایران تأثیرات مخربی بر جای می‌گذارد. در دنیای مدرن امروز تحولات سایر کشورها حتی در فواصل بسیار دور تأثیرات پایداری بر سایر کشورهای جهان باقی می‌گذارد حال آنکه بی‌نظمی و بی‌ثباتی در کشورهای همسایه و منطقه‌ای به مراتب تأثیرات مخرب تری را بر جای می‌گذارد. هرج و مرج و بی‌ثباتی کشورهای عراق و سوریه می‌تواند معضلات و مشکلاتی همچون هجوم پناهندگان، اختلال در تجارت اقتصادی و معضلات زیست محیطی، گسترش ناامنی و تروریسم را بر جای گذارد. از این رو داعش چالش‌هایی را در منطقه برای جمهوری اسلامی ایران به وجود آورده است که به آن می‌پردازیم.

الف) حضور نظامی کشورهای غربی در عراق و سوریه در قالب ائتلاف علیه داعش:

ظهور داعش موجب امکان یا گسترش حضور نیروهای آمریکایی در عراق و سایر کشورهای منطقه خلیج فارس می‌گردد. این امر می‌تواند به افزایش شمار پایگاه‌های نظامی قدرت‌های فرامنطقه‌ای در همسایگی ایران بینجامد که طبیعتاً این امر هزینه‌های امنیتی ایران را در بلند مدت بالا خواهد برد. از سوی دیگر آنان می‌توانند از این پایگاه‌ها و حضور نظامی برای حمایت از مخالفین جمهوری اسلامی ایران استفاده نمایند. دیر زمانی نیست که آمریکا نیروهای خود را از عراق خارج کرد و در طرح یک عملیات نظامی علیه سوریه نیز شکست خورد. با توجه به چالش و تنش سیاسی زیادی که بین ایران و غرب در سی و پنج سال گذشته وجود داشته و

دارد، حضور نظامی این کشورها به خصوص آمریکا در منطقه و همسایگی ما یک چالش امنیتی محسوب می‌شود. از این رو از منظر ایران خروج نیروهای غربی از منطقه یک فرصت امنیتی و ورود آنها یک چالش محسوب می‌شود. بنابراین با این استدلال خروج نیروهای غربی از عراق برای ایران یک فرصت امنیتی و بازگشت آنها به منطقه به بهانه داعش یک چالش جدید محسوب می‌شود. از طرفی اقدام نظامی ائتلاف ضد داعش محدود به عراق نیست و سوریه را نیز در بر می‌گیرد. سوریه از جمله کشورهای متحد ایران در منطقه است که کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن در تلاش هستند تا رژیم مستقر در این کشور را از اریکه قدرت پایین بکشند و دولت متحد خود را در این کشور بر سر کار آورند. در همین راستا بود که دولت آمریکا به بهانه سلاح‌های شیمیایی در صدد بود تا با اقدام نظامی در این کشور به این مهم دست یابد که با مخالفت ایران و روسیه روبه رو شد. حال یک بار دیگر داعش این فرصت را در اختیار آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن گذاشته است تا نیت خود را در سوریه عملی کنند. آنها به بهانه داعش زیر ساخت‌های سوریه را مورد هدف قرار داده و با اینکه اعلام کرده‌اند در صدد مبارزه با نیروهای اسد نیستند و اولویت اول آنها داعش است؛ اما این احتمال همچنان وجود دارد که با طولانی شدن عملیات نظامی علیه داعش به مرور در صدد ضعیف کردن رژیم اسد نیز برآیند. در همین چارچوب، دولت آمریکا اعلام کرده است در جهت مبارزه با داعش نیروهای معتدل مخالف اسد را تقویت خواهد کرد. موردی که ایران بارها نگرانی خود را از بابت آن ابراز کرده و هشدار داده است که در صورت حمله به مواضع نیروهای دولتی سوریه ساکت نخواهد نشست. (صبوری نژاد، ۱۳۹۳)

ب) چالش حضور بلندمدت آمریکا و هم‌پیمانان در منطقه

داعش همان اندازه که برای منطقه خاورمیانه چالش است برای آمریکا و اسرائیل و هم‌پیمانان آنان فرصت است. از یک سو آمریکا فرصت یافته تا به بهانه مقابله با آنچه زمانی خود بنیانگذار آن بوده و روزی به بهانه آن، به این منطقه لشکر کشی نموده مجدداً لشکر آراسته و موج جدید ارتش آمریکا در قالب راهبرد «ارتش‌های باز» را رونمایی و حضور خود را در منطقه تقویت نماید و از سوی دیگر و چنان که در همین روزها نیز شاهدیم با فروش جنگ افزار به طرفین جنگ در عراق و سوریه محصولات نظامی خود را عرضه و تجهیزات ارتش خود

را آزمایش و بنیه مالی خود را تقویت نماید. مبارزه با داعش گرچه فرصتی است تا نیروهای مردمی عراق با دست گرفتن اسلحه و امکانات نظامی این غده سرطانی را ریشه کن کنند؛ اما در عین حال فرصتی است تا دولت‌های سلطه‌گری چون آمریکا و اسرائیل و برخی بازیگران منطقه با تجهیز نظام مند گروه‌های خاص عراقی، تسلیح آنان را به بهانه مبارزه با داعش و عملاً سرمایه گذاری تسلیحاتی بلندمدت علیه دولت قانونی عراق در دستور کار قرار دهند و پس از دفع فتنه داعش، استخوان لای زخم ملت و دولت عراق نهند. (اخضریان، ۱۳۹۳)

پ) تضعیف جبهه مقاومت و ایجاد حاشیه امن برای اسرائیل

اساس و موجودیت اسرائیل بر پایه بحران و جنگ افروزی در منطقه استوار است؛ بنابراین ایجاد و دامن زدن به جنگ طایفه‌ای و درگیری شیعه و سنی، سرگرم کردن کشورهای اسلامی به مشکلات داخلی خود و تجزیه کشورهای اسلامی را می‌توان از جمله طرح‌ها و برنامه‌های این رژیم برای منطقه ارزیابی کرد. در واقع، اسرائیل با اجرای این طرح‌ها در منطقه در تلاش است تا حاشیه امنیتی خود را بالا برده و با مشغول سازی کشورهای اسلامی به مشکلات داخلی و درگیر کردن آنها، برنامه و طرح‌های خود را در منطقه به مورد اجرا بگذارد. بدون شک، حضور یک عراق قدرتمند در کنار ایران و سوریه می‌تواند تمامی معادلات منطقه را بر هم زده و اسرائیل از شکل گیری چنین قدرت منطقه‌ای نگران است؛ از این رو حمایت این رژیم از تجزیه عراق را می‌توان در این راستا ارزیابی کرد. بی ثباتی‌های داخلی در درون کشورهای عراق و سوریه بر اساس منطق «منازعه، منازعه می‌آورد» بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیرات منفی دارد. جبهه مقاومت که نوک پیکانش را به سمت رژیم صهیونیستی هدف گرفته است؛ به دلیل ظهور نیروهای تکفیری داعش در کشورهای جبهه مقاومت آنان امکانات خود را در راستای مقابله با این تهدید جدید به کار گرفتند و این امر موجب مغفول ماندن آنها در کوتاه مدت از تهدید اصلی یعنی رژیم صهیونیستی گردیده است. در واقع، گروه‌های نوسلفی خواسته یا ناخواسته در معمای ترسیم شده رژیم صهیونیستی برای تضعیف محور مقاومت بازی می‌کنند. افزون بر این، عملکرد داعش و گروه‌های سلفی تکفیری، باعث تغییر اولویت تضاد امت اسلامی با اسرائیل به سمت داخل جهان اسلام و بر اساس مبانی مذهبی شده است. (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۷)

تأثیر داعش بر سیاست‌های ایران در عراق:

داعش قدرتمندترین تبلور از سازمان تروریستی است که تحت نام شاخه القاعده در عراق و پس از حمله سال ۲۰۰۳ آمریکا به عراق شکل گرفت. بحران داعش، همچنین سیاست ایران در عراق را تحت تأثیر قرار داد. (Esfandiary, Ta baatbai, 2015) متأثر از ظهور داعش در منطقه، جمهوری اسلامی ایران در تلاش است تا نقش خود را به عنوان یکی از بازیگران محور مقاومت در منطقه خاورمیانه و نظام بین‌الملل کنونی معرفی کند. در شرایطی که منطقه در آستانه تغییرات جدیدی است به نظر می‌رسد که: ۱- نقش سازنده و تأثیرگذار ایران به عنوان یکی از قدرت‌های منطقه پس از ظهور داعش تثبیت شده است. ۲- استقرار امنیت، تقویت صلح، ثبات و نیز رفع تهدیدات تروریستی مورد پذیرش و اجماع جهانی قرار گرفته است. این خود می‌تواند سبب افزایش نقش و نفوذ منطقه‌ای و اعتبار جهانی ایران به عنوان بازیگری مسئول و فعال باشد. تأثیراتی که گروه تروریستی داعش در روابط سیاسی و حضور ایران در عراق گذاشته است به شرح زیر می‌باشد.

- ۱- حضور پر رنگ در عراق در جهت جلوگیری از پیش روی داعش.
 - ۲- تلاش برای حفاظت از اماکن مقدس عراق در مقابله با داعش.
 - ۳- ارتباط بیشتر با اقلیم کردستان عراق در جهت جلوگیری از پیش روی داعش در اقلیم.
 - ۴- سازمان دهی نیروهای شبه نظامی و مردمی شیعی در عراق برای مقابله با داعش.
 - ۵- انجام فعالیت مستشاری در ارتش عراق برای مقابله با داعش.
 - ۶- تقویت حضور نظامی مستقیم در داخل خاک عراق در مجاورت مرزهای ایران.
- خط قرمز برای منافع ملی ایران حفظ تمامیت ارضی کشور عراق است. اصول کلی در منافع وجود دارد و بازیگران منطقه از همه ابزارهای ژئوپولیتیک برای رسیدن به اهدافشان استفاده می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران در مرحله اول به ارسال کمک به مردم عراق قبل از ارسال کمک هر کشوری، نمود. مرحله دوم شناخت کشورهای همسو با منافع جمهوری اسلامی ایران مثل روسیه در مبارزه با داعش بود. مرحله سوم برای داشتن قدرت در مذاکرات برای پیشبرد اهداف و مواضع خود و بر اساس نص صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر کمک‌های تبلیغاتی اقدام به ارسال نیروهای سپاه قدس به طور مستقیم به عراق

و سوریه کرد. جمهوری اسلامی ایران این مسئله را در سیاست‌های اعلامی خود نیز بیان نمود. مسئله‌ای که به خاطر خشونت‌های شدید داعش، از سیاست پنهانی به سیاست‌های افتخاری برای مردم و مسئولان تبدیل شده است. در مرحله چهارم جمهوری اسلامی ایران به کشوری قدرتمند و تأثیرگذار که خود مستقل از نفوذ ابر قدرت‌هایی مثل آمریکا و روسیه تصمیم‌گیری می‌کند، تبدیل شده است. ایران در مورد چگونگی مبارزه با داعش به خاطر موفقیت‌های نظامی نیروی زمینی و حضور فعال و موفق در دو کشور عراق و سوریه در کنار موفقیت‌های بین‌المللی مثل برجام و گشودن دروازه‌های خود برای ارتباط مؤثر و منفعت محور با کشورهای اروپایی و آمریکا هست. (برزگر، ۱۳۹۴: ۳) هدف سیاست‌های ایران این است که در مواجهه با داعش، نفوذ و مدیریت خود را در کشورهای بحرانی ادامه دهد و تا جایی که می‌تواند با کشورهای منطقه‌ای برای جلوگیری از افراطی‌گری و بازگشت صلح و ثبات به منطقه، همکاری کند و همچنین مداخله خارجی را مدیریت کند. (سنایی، کاویانپور، ۱۳۹۵: ۱۳) هم‌اکنون در کشورهای بحرانی عراق و سوریه یک حلقه بین‌المللی شامل آمریکا و روسیه و بازیگران ذی‌نفع که منتظر نتیجه منازعات هستند و هر کدام برای رسیدن به منافع ملی خود از بحران داعش استفاده می‌کنند. (ایسنا، ۱۳۹۳: ۱ خرداد)

پیامدهای داعش بر روابط ایران و عراق

الف) تأثیر داعش بر روابط سیاسی - امنیتی ایران و عراق

شکل‌گیری داعش تأثیراتی بر روابط سیاسی - امنیتی دو کشور ایران و عراق گذاشته است. با حضور داعش در عراق روابط ایران و عراق از همبستگی عمیقی برخوردار گشته است. کمک‌های نظامی ایران به عراق باعث تثبیت نقش ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای نظام بین‌الملل کنونی گردید. حمایت‌های نظامی ایران از عراق برای مقابله با تروریسم در حالی است که همه کشورها به عراق پشت کرده‌اند. آمریکا که بر اساس توافق نامه همکاری نظامی متعهد به حمایت از عراق و ارائه تسلیحات به این کشور در شرایط اضطراری شده است از تعهدات خود صرف‌نظر کرده و حتی مانع تجهیز عراق از منابع دیگر می‌شود. بنابراین پس از این مرحله طولانی، توافق نامه همکاری نظامی با جمهوری اسلامی ایران به امضا رسید و ایران در

این مدت همواره به صورت گسترده به حمایت مستقیم از عراق در سطوح تسلیحاتی، اطلاعاتی، مشاوره‌ای پرداخته و مشاوران عالی رتبه ایران، در کنار عراق قرار داشته‌اند. توافق نامه همکاری نظامی ایران و عراق به مثابه آغاز مرحله جدیدی از همکاری نظامی و دفاعی بین دو کشور و تحکیم و تقویت موضع عراق در مقابله با تروریست‌هایی است که با شکست فاصله چندانی ندارند. جمهوری اسلامی ایران با ایجاد ارتباط با اقلیم کردستان عراق در جهت جلوگیری از پیش روی داعش در اقلیم باعث شکل‌گیری ارتباط قوی با اقلیم کردستان عراق و ایجاد همکاری‌های نظامی در جهت عقب‌نشینی داعش گشته است. در مجموع با ظهور داعش در عراق رابطه ایران و عراق وارد مرحله جدیدی شده است و بستر همکاری زیادی از جمله همکاری نظامی و امنیتی را به وجود آورده و دو کشور ایران و عراق با ایجاد اتحاد و ائتلاف میان یکدیگر به نابود سازی گروه تروریستی داعش دست زده‌اند.

ب) تأثیر داعش بر بعد نظامی روابط ایران و عراق:

تهدیدات نظامی، مرکز سنتی نگرانی‌های مربوط به امنیت ملی می‌باشد. معمولاً اقدام نظامی می‌تواند همه اجزای دولت را تهدید کند و در عمل هم اینگونه می‌باشد. (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۴۱) بی تردید به منظور رخ‌نمایی توان بازدارندگی و نظامی، ایران باید هزینه‌های فراوانی را در حوزه مرز و چه در حوزه نزدیک به مرز متحمل شود. اساساً وارد شدن به جنگ نظامی و عینی شدن هزینه‌ها و ظرفیت‌های بسیاری را مشغول خود می‌سازد و در نگاهی فرض‌گرایانه در صورت مواجهه نظامی ایران با داعش، در بعد نظامی تهدیدات فراوانی با توجه به تجارت صحنه‌ای داعش از نبرد در چند کشور همجوار ایران، متصور است. اما تأثیری که داعش بر بعد نظامی گذاشته است را می‌توان این‌گونه بیان کرد؛ عملیاتی شدن آموزش‌ها و آگاهی از انواع استراتژی‌ها و تاکتیک‌های جنگ شهری و چریکی در صحنه نبرد، به رخ کشیدن قابلیت‌های مستشاری نیروهای نظامی ایران، عملیاتی کردن آموخته‌های نیروهای جدید و جوان که امکان تجربه اندوزی از میدان‌های نبرد نظیر جنگ تحمیلی را نداشتند، افزایش مانورهای گسترده نظامی با هدف ارتقاء توان بازدارندگی. (اسماعیل زاده امام‌قلی، احمدی فشارکی، ۱۳۹۵: ۱۳۰)

ت) تأثیر داعش بر روابط اقتصادی ایران و عراق:

در حوزه اقتصادی داعش هم تأثیرات منفی و هم تأثیرات مثبتی بر روابط میان ایران و عراق گذاشته است. تأثیر منفی آن بدین گونه می‌باشد که در پی تحریم‌های اقتصادی بین-المللی ضد ایران، رشد تولید نفت خام عراق، سهم ایران را از بازار نفت خام را به خطر انداخت. از سوی دیگر، داعش در عراق تمایل خود را برای هدف قرار دادن تأسیسات نفتی اعلام کرده است و تاکنون چندین و چند عدد از امکانات انرژی را در بخش شمالی این کشور به تصرف خود درآورده است؛ از جمله بزرگترین پالایشگاه نفتی عراق در بایجی بنا بر اعلام خزانه ایالات متحده، داعش از محل فروش نفت خام به ترکیه، اقلیم کردستان عراق و بشار اسد در سوریه روزانه یک میلیون دلار درآمد دارد. مشکلات اقتصادی ایران که ناشی از تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی است، موجب محدود شدن توانایی آن در دخالت و کنترل از این وضعیت شده است. فروش نفت خام داعش در بازار سیاه نه تنها بر درآمد نفتی ایران تأثیر گذار است، بلکه همچنین به خودکفایی داعش کمک می‌کند و منابع مالی کافی برای جذب نیروی انسانی بیشتر و انجام حملات آتی در اختیار این جریان تکفیری قرار می‌دهد. (اسماعیل زاده اماقلی، احمدی فشارکی، ۱۳۹۵: ۱۳۴-۱۳۳) از نگاه مثبت محور، حضور داعش در عراق یک فرصت اقتصادی برای ایران در برخی استان‌های مرزی واقع در غرب کشور ایجاد کرد. فرصتی که به واسطه حضور گروه تروریستی داعش در عراق و تحریم کالاهای کشورهای ترکیه و عربستان برای ایران در بازار عراق ایجاد شد. در پی حضور و نفوذ داعش در عراق مردم این کشور کالاهای وارداتی از ترکیه و عربستان را تحریم کردند و در حرکتی هماهنگ اعلام کردند که کالاهای این دو کشور را نخرند. این اقدام علاوه بر اینکه یک فرصت اقتصادی را برای جمهوری اسلامی ایران به ارمغان آورد و موجب ارزآوری فراوانی برای ایران گردید. طبق آمار گمرک، تراز تجاری جمهوری اسلامی ایران و عراق ۹۸/۵ درصد به نفع ایران است و عراق دومین شریک تجاری ایران محسوب می‌شود و یکی از دو کشوری است که تراز تجاری ایران نسبت به آن مثبت است؛ یعنی میزان صادرات ایران به این کشور بیشتر از میزان واردات به ایران است. (مینایی، ۱۳۹۴: ۲-۱) همچنین موجب شد دو کشور رقیب ایران حضور اقتصادی

خود را در عراق کم رنگ ببینند، که این نیز فرصت مغتنمی برای ایران بود تا قدرت منطقه‌ای خود در عرصه اقتصادی را نیز تقویت کند.

ج) تأثیر داعش بر روابط اجتماعی ایران و عراق:

بی تردید از منظر تأثیرگذاری داعش بر افکار عمومی در اجتماع، شاهد پدیده‌ای کم نظیر بوده‌ایم. سیاست بهره‌گیری از رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک، توئیتر و تلگرام و راه اندازی «شبکه دابق» و مجله‌ای با همین عنوان در سطح جهانی، تکیه بر اصل غافلگیری و انجام حملات برق‌آسا، انجام اقدامات خشن و رعب‌آور، قائل بودن به نوعی رسالت الهی و نوعی بازگشت ناپذیری مذهبی، چند رگه بودن هویت اعضا و ایجاد ظرفیت‌های جذب بین‌المللی، فراملی بودن ایده‌ها و اندیشه‌های آنها موجب شده است که سیر رشد آنها تصاعدی شود. (السمیری و نظری، ۱۳۹۴: ۷۹) یکی از تأثیراتی که بعد از ظهور و فعالیت داعش شاهد آن بوده‌ایم «ارتقاء جایگاه مرجعیت دینی» در افکار عمومی تشیع است. پس از ظهور داعش در عراق و تصرف تعدادی از شهرهای این کشور آیت‌الله سیستانی، مرجع تقلید شیعه، از شیعیان درخواست کرد تا «سلاح بردارند و با پیکار جویان افراطی مبارزه کنند». در مواضع ایشان شاهد بودیم که عنوان داشتند: «شهروندانی که قادر به حمل اسلحه هستند، وظیفه دارند که در دفاع از کشور و مردم خود و اماکن مقدس، به نیروهای امنیتی کشور بپیوندند». پس از فتوای آیت‌الله سیستانی مبنی بر دفاع از عراق در برابر داعش بسیاری از مردم عراق برای مبارزه ضد این گروه تروریستی داوطلب شدند. برخی از مردم با پیوستن به گروه‌های شبه نظامی شیعه برای مبارزه ضد داعش اعلام آمادگی کردند. (مینایی، ۱۳۹۴: ۱-۲) و در مجموع از منظر گاه اجتماعی و هویتی، ارزش‌های مذهبی و دینی رخ عیان کرد.

نتیجه‌گیری:

شروع هر بحرانی بستر و ریشه‌های مختلفی از جمله عوامل تاریخی، ژئوپلیتیکی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد. گاهی دولت‌ها در مناسبات بین‌المللی، در راستای دستیابی به منافع خود و یا جلوگیری به خطر افتادن امنیت و ثبات کشور خود، اقدام به محدود کردن اثرپذیری خود از گروه‌های تروریستی می‌کنند. داعش خشن‌ترین گروه تروریستی در بین همه گروه‌های مسلح برجسته در منطقه خاورمیانه است. پس از حمله آمریکا به عراق، شاخه القاعده در عراق

پایه گذار داعش شد. پس از آن که نا آرامی های سوریه شدت گرفت، داعش از سوریه به عراق هم وارد شد. ظهور داعش در عراق و سوریه تبعات مختلفی در خاورمیانه و سپس در اغلب نقاط دنیا به همراه داشت. کشورهای مختلفی با داعش رو به رو شدند و در مقابل آن به تدابیر مختلفی دست زدند. در این میان جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از کشورهای مهم منطقه خاورمیانه و نزدیکی جغرافیایی با کشور عراق به مقابله با داعش و اتخاذ خط مشی مناسب دست زد، زیرا داعش علاوه بر اینکه تمامیت ارضی و رژیم های سیاسی متحدان منطقه ای ایران را به چالش کشید، تهدید امنیتی و ایدئولوژیکی برای ایران نیز به شمار می رفت. سوال اصلی پژوهش بدین شرح می باشد که ظهور داعش چه تأثیری بر روابط میان ایران و عراق گذاشته است؟ تجزیه و تحلیل داده های موجود نمایانگر آن است که فرضیه اصلی که بدین شرح می باشد «ظهور داعش در منطقه خاورمیانه باعث تقویت روابط دو جانبه ایران و عراق در راستای مبارزه با تهدید مشترک و حفظ تمامیت ارضی عراق، شده است» تأیید شده است و با توجه به نظریه اتحاد و ائتلاف دولتهایی که در دنیای امروز دغدغه امنیتی - سیاسی و اقتصادی مشترکی دارند به اتحاد و ائتلاف با یکدیگر می پردازند.

نظریه اتحادها و ائتلافها هم توسط رویکرد آرمان گرایی و هم توسط رویکرد واقع گرایی بیان گشته است. نظریه واقع گرایی در بررسی اتحادها و ائتلافها به قدرت کشورها و تهدیدات خارجی توجه دارد. در دنیای کنونی دولتهایی که دغدغه امنیتی - سیاسی و اقتصادی مشترکی دارند به اتحاد و ائتلاف با یکدیگر می پردازند، هر چند که در دنیای امروزه آنارشیسم از بین نرفته بلکه سخت تر و پیچیده تر هم گشته است و در کنار این آنارشیک بودن نظام جهانی تهدیدات دیگری از جمله گروه های تروریستی و بازیگران چند ملیتی هم قرار گرفته اند و دولتها را مجبور به ایجاد اتحاد و ائتلاف با یکدیگر کرده اند.

در واقع، داعش به دلیل ایجاد بی ثباتی و نا امنی در عراق به عنوان متحد ایران و ناامن کردن مرزهای ایران به مثابه تهدید مشترک تلقی شده که در نتیجه آن روابط ایران و عراق تقویت شده است. شکل گیری داعش در کشور همسایه ایران که طولانی ترین مرز زمینی را با هم دارند، به عنوان یک خطر بزرگ برای جمهوری اسلامی ایران به شمار می رود، زیرا از یک سو موجودیت نظام را به خطر می اندازد و از سوی دیگر معضلات امنیتی برای کشور به وجود

می‌آورد، از این رو جمهوری اسلامی ایران سعی در تثبیت نقش خود در منطقه خاورمیانه به ویژه کشور عراق دارد. لذا، احساس تهدید و نگرانی مشترک ایران و عراق از جانب ماهیت و برنامه‌های تروریستی داعش برای آینده منطقه باعث تقویت روابط دو همسایه در حوزه‌های مختلف سیاسی، امنیتی، نظامی، اقتصادی و شد تا مقابله با این تهدید مشترک نتایج فوری و عملی به دنبال داشته باشد.



منابع فارسی:

کتاب

- بوزان، باری (۱۳۹۰)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران؛ پژوهشکده مطالعات راهبردی
- روحانی، حسن (۱۳۸۸)، آشنایی با کشورهای اسلامی، تهران: نشر مشعر، چاپ اول
- رنجبر شیرازی و همکاران (۱۳۹۳)، جریان شناسی داعش: چیستی، شاخصه‌ها و راهکارهای مواجهه، تهران: انتشارات سخنوران
- ریچاردسون، لوئیس (۱۳۹۵)، تروریست‌ها چه می‌خواهند (از زیلات‌ها تا داعش)، ترجمه: عسگر قهرمان پو، خدیجه حیدری، تهران: نشر دیلماج، چاپ اول
- عبدالعلی قوام، همت ایمانی (۱۳۹۰)، نظریه رئالیستی اتحاد در روابط بین‌الملل، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- هالستی، کی‌جی (۱۳۷۳)، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه: بهرام مستقیمی، مسعود طارم سری، تهران: وزارت امور خارجه
- هوشی سادات، سید محمد (۱۳۹۳)، داعش؛ میراث سیاسی غربی - عربی، دفتر مطالعات سیاسی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

مقالات

- اسدی، علی اکبر (۱۳۹۳)، خیزش داعش و بحران امنیتی در عراق، مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)
- اردشیر سنایی، مونا کاویانپور (۱۳۹۵)، ظهور داعش و تأثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال نهم، شماره ۳۴
- برزگر، کیهان (۱۳۸۸)، سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره ۱
- زهرا مینه کشته، هادی آجیلی، (۱۳۹۳)، نقش داعش در شکل‌گیری معدلات جدید در خاورمیانه، فصلنامه علمی - تخصصی حبل‌المتین، سال سوم، شماره ۹

- شریف سمیعی، علیرضا اصفهانی و ایمان یلمه (۱۳۹۵)، واکاوی ریشه‌های شکل‌گیری داعش در سوریه و عراق، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی - پژوهشی)، سال پنجم، شماره ۱۸

- علی اشرف نظری، عبدالعظیم السمیری (۱۳۹۴)، بازخوانی هویت دولت اسلامی در عراق و شام (داعش): فهم زمینه‌های فکری و سیاسی - اجتماعی، فصلنامه علوم سیاسی؛ سال هفدهم، شماره ۶۸

- نجات، سیدعلی (۱۳۹۴)، گروهک تروریستی داعش و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ چالش‌ها و فرصت‌ها، فصلنامه سیاست، سال دوم، شماره ۶
- یاسر اسماعیل زاده اماقلی، حسنعلی احمدی فشارکی (۱۳۹۵)، داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ، فصلنام پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۸

خبرگزاری

- اخضریان کاشانی، محمدرضا (۱۳۹۳)، داعش؛ پایش چالش‌ها و فرصت‌ها، خبرنامه صادق، قابل دسترسی در:

<http://isunews.ir/5437/>

- پایگاه خبری ایسنا، ۱۳۹۳: ۱ خرداد:

www.isna.ir

- توسلی، حسین (۱۳۹۳)، تهدیدات و فرصت‌های عملکرد داعش برای جمهوری اسلامی ایران، خبرگزاری فارس، قابل دسترسی در:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930402001177>

- صبوری نژاد، احمد (۱۳۹۳)، دژ محکم امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و تروریست‌های داعش، صاحب نیوز، قابل دسترسی در:

<http://sahebnews.ir/139221/>

- گلستان، مسلم (۱۳۹۴)، چالش‌ها و فرصت‌های ظهور داعش برای ایران، دیپلماسی ایرانی، قابل دسترسی در:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1947944/>

- مینایی، حسین (۱۳۹۴)، تهدیدها و فرصت‌های داعش برای جمهوری اسلامی ایران، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، قابل دسترسی در:

<http://peace-ipsc.org/>

Ressources

Article

- Esfandiary, Dina , Tabatabai, Ariane (2015), **Iran's ISIS policy**, International affair, volume 91, Number 1
- Walt, Stephen M. (1985), **Alliance Formation and the Balance of World Power**, International Security, Vol.9.No.4 (Spring)

Document

- Esposito, John L. (2014), **ISIS, Radicalization, and the Politics of Violence and Alienation**, Reset Doc. Aug 28, 2014, available on:
<https://www.c-span.org/video/?321180-1/...radicalization-isis>
- Jervis, Robert (1986), **From Balance to Concert: A Study of International Security Cooperation**, ink.A.oye. ed, Princeton Univ.Press- Kenneth ,katzman (2010) , **Iraq:politics/Election/and Benchmarks**, available on: www.crs.gov

